



ویژه‌نامه نشریه مجاهد بنیامست جهانمن روزگردانست ایقاه‌طالقانی مفکر کبر و آن

اسنادی از نوطه های سیستم آرپامه ری در صفحه ۱۱ سعادت‌تی در نامه اش باشما سخن می گوید در صفحه ۹ چه کسانی از تشکیل شوراهای واقعی وحشت دارند؟ در صفحه ۲ سال اول (شماره ۶) - دوشنبه ۲۳ مهرماه ۱۳۵۸ - شماره ۱۵ ارباب

راه‌پدر طالقانی را قابه آخر ادامه میدهم

چرا "مجاهد" منتشر نشد؟

ما هرگز اجازه نخواهیم داد فرصت طلبان و عوام‌فربانان با بزرگ کردن "اسم و رسم" پدر راه و هدف ما، او را مسخ و از محتوی تهی سازند

ارتجاع اصلی ترین راه حفظ خود را در صدمت بانسروهی انقلابی پیدا میکنند

علت اصلی تعطیل موقت "مجاهد"، اعتراضی بوده خفقان حاکم بر جامعه

و نداستمار و مداستخار که اول ما را و پرتو را دیمش آنرا از لای آیات قرآن سرور ل و جلال افکنده اش را ادامه میدهم.

در فاصله دو شماره اخیر نشریه "مجاهد" پدر طالقانی نگاه ما را به سوی مفسر کبوتران و کجنگان همه انقلابیون کشید. از دست دادیم. او با کجواپو باها اختار نشریه مجاهد را کشته از ما می خواست. او توصیه نکرد در تدوین افکار و اندیشه ها بگردن آن میان مردم بگردانیم. او می گفت که هر زمان که انقلابیون کسب می کنند...

بقینا "اولین سؤال شما اینست که چرا مجاهد منتشر نشد؟ ما هم وظیفه داریم که به آن جواب بگویم. چرا که بین خودمان و شما گودالی بنام ما - لکبت نشریه می بینیم. در سر - مقاله شماره اول نیز گفتیم. نشریه مال شماست و اگر بفرسید چه مکا بونی دارید؟ خواهیم گفت بوسعت تکت شما. بیما تر دیگر بین ما و شما "یعنی بین سؤال شما و جواب ما فاصله ای نیست. سؤال و جواب هر دو هم مال ما است. یعنی بین خود تقسیم کاری کرده ایم و تهیه نشریه بعهده ما است. موقعی که با مسئولیت خود ما با نچینین سر - خود می کنیم شما حق می دهید ما را سؤال کنید. آنگاه جواب ما را بررسی نما شد. اگر درست بود ما هم کاری خودتان تا بدمان کشید. اگر درست نبود ما را از شما بی و ما خواه کنیم. هر تنبیه و عقوبتی را نیز که سزاوارتر باشد شما خفا می پذیرفت.

آری پدر کبریا ما را هت را ادامه میدهم. فرزندان ما هدتو. شاگردان مکتب توو تعلق که تحت سرپرستی و ارشادت تو با روور تربیت شده است. هرگز تو را هت بزرگ کردی. فراموش نشود هت کرد ما هرگز تو را هت علی رغم انواع دسیسه های امپریالیستی و فشارها و حملات ارتجاع لحظه ای ترک نخواهیم کرد. ما هم و آنچه تا می آید از فغان تو را به سر و تبدیل می کنیم. و ما آن بقایای نظم کجواپو و بی و پوزان های آن نظم نویسن انقلابی، مژده می و سوحدی را می کشیم. از پدر ما را هت را ادامه میدهم. ما خواهیم گذاشت که مرتجعین هدف تو و راه تو را مسخ و تخریب سازند. ما خواهیم نخواهیم داد که میراث تو را در سواگره گریه زاری ما بی شرمی تمام زود روی است. ما با خود با لاسا فرود تعلق تمام با سبب بدن خودتان به تخریب خویش خودتان را با سواد زده بگردانیم. ما شکرگزاریم که با شکر کردیم نام و رسمت. ما شکرگزاریم که با شکر کردیم نام و رسمت. ما شکرگزاریم که با شکر کردیم نام و رسمت. ما شکرگزاریم که با شکر کردیم نام و رسمت.

مضمون مقدس آزادی

مضمون اساسی این مضمون آزادی و الهی نیست مگر تا که بتوان انسان را از زنجیر رزم مغز بپلوی پیش از منوریت خلق بشدیده. ما ستم را از رزم بی باک و کجواپو از انبساط کسب می کنیم. ما می خواهیم که با شکرگزاریم که با شکر کردیم نام و رسمت. ما شکرگزاریم که با شکر کردیم نام و رسمت. ما شکرگزاریم که با شکر کردیم نام و رسمت. ما شکرگزاریم که با شکر کردیم نام و رسمت.

پس علت اصلی تعطیل موقت "مجاهد" اینست که ما با تقسیم کاری کرده ایم و تهیه نشریه بعهده ما است. موقعی که با مسئولیت خود ما با نچینین سر - خود می کنیم شما حق می دهید ما را سؤال کنید. آنگاه جواب ما را بررسی نما شد. اگر درست بود ما هم کاری خودتان تا بدمان کشید. اگر درست نبود ما را از شما بی و ما خواه کنیم. هر تنبیه و عقوبتی را نیز که سزاوارتر باشد شما خفا می پذیرفت.

برداشتن از خطه بیخ ابلاغه (قسمت دوم) ...

برداشتن از خطه بیخ ابلاغه (قسمت دوم) ...

دانشگاه این سنگر دفاع از آزادی و آزادی

دانشگاه این سنگر دفاع از آزادی و آزادی ...

گزارشی از کارخانه نساجی شماره ۱ قائم شهر

گذری بر تاریخچه مبارزات کارگران نساجی، در یکی از ناسافته ترین محیط های کارگری

نساجی شماره ۱ قائم شهر یکی از با سابقه ترین محیط های کارگری ایران است. این کارخانه در سال ۱۳۵۹ که دیکتاتوری شاهان جای پای خود را محکم...

خانه را بعبه داشتند. علاوه بر اینها ۲۵-۳۰ نفر پلیس شهرانی نیز سپر انتظامات کارخانه نظارت داشتند. تست در محل کارخانه مجیز به تنگسگ پرئوو...

استراحت کارگران به یاری یک خواسته کوچک صنی اصرار میکردند، با شلاقه وضع برجمانه ای اجازات میدهند. بشن...

از ۱۳۵۹ تا ۱۳۳۴ کارخانه دویسته بود یعنی کارگران تفریفت های ۱۲ ساعت کار میکردند. یکی از صبح تا عصر و دیگری در ۱۲ ساعت باقی مانده بود...

از کارخانه فرار میکردند. علت ابتدایی بودن دستکها به کارگران زیادی احتیاج بود. همینکه...

از آنجا که شهر به یک میدان با بازار و کارخانه محدود میشد، کارگران وقتي گترین انتقاد و در حقیقت خیرخواهی...

مفهوم مقدس آزادی

احمال زد. یکی از آن جنابان. اعدام باعوانیردانه ۹ زندانی ساسی بود که زندانی آنها پس از ۸ سال تحمل...

روشن است. شاه با وجود این امکان نداشت که امارت و زنجیر نگذارد. بالاخره هم...

همه مردم با پوست و استخوان و غنغان و سرکوب و دیکتاتوری را لمس میکردند و با تمام وجود تلخی خشم...

همه مردم با پوست و استخوان و غنغان و سرکوب و دیکتاتوری را لمس میکردند و با تمام وجود تلخی خشم...

همه مردم با پوست و استخوان و غنغان و سرکوب و دیکتاتوری را لمس میکردند و با تمام وجود تلخی خشم...

همه مردم با پوست و استخوان و غنغان و سرکوب و دیکتاتوری را لمس میکردند و با تمام وجود تلخی خشم...

همه مردم با پوست و استخوان و غنغان و سرکوب و دیکتاتوری را لمس میکردند و با تمام وجود تلخی خشم...

فقر اقتصادی آنان را بسته آورد بود. در سال ۱۳۲۷ اعتماد بزرگی خاطر افاده دستور صورت میگردد. کارگران بالای سر ماشینها حاضر میشوند ولی کار...

در دوران حکومت ملی کارگران همگام با سایر نیروهای خلق در جهت شکوفایی اقتصادی کارگران به کارخانه هم می روند...

در سال ۱۳۲۹ مهمترین انتصاب کارخانه بزرگترین بهترین انتصاب کارخانه که به آن کارخانه نام دارند...

عوامل کارفرمایان نقش تضاد های ماند از زمان طاغوت دامن میزند

در این سال صورت می گیرد. این انتصاب حدوداً ۴ روز با حضور کارگران در کارخانه در حالیکه دست به هیچ کاری...

در این سال ۵۲ نفر از کارکنان کارخانه در جریان اعتصاب شرکت می کنند. این اعتصاب در جریان...

در این سال ۵۲ نفر از کارکنان کارخانه در جریان اعتصاب شرکت می کنند. این اعتصاب در جریان...

در این سال ۵۲ نفر از کارکنان کارخانه در جریان اعتصاب شرکت می کنند. این اعتصاب در جریان...

در این سال ۵۲ نفر از کارکنان کارخانه در جریان اعتصاب شرکت می کنند. این اعتصاب در جریان...

در این سال ۵۲ نفر از کارکنان کارخانه در جریان اعتصاب شرکت می کنند. این اعتصاب در جریان...

در این سال ۵۲ نفر از کارکنان کارخانه در جریان اعتصاب شرکت می کنند. این اعتصاب در جریان...

در این سال ۵۲ نفر از کارکنان کارخانه در جریان اعتصاب شرکت می کنند. این اعتصاب در جریان...

در این سال ۵۲ نفر از کارکنان کارخانه در جریان اعتصاب شرکت می کنند. این اعتصاب در جریان...

در این سال ۵۲ نفر از کارکنان کارخانه در جریان اعتصاب شرکت می کنند. این اعتصاب در جریان...

در این سال ۵۲ نفر از کارکنان کارخانه در جریان اعتصاب شرکت می کنند. این اعتصاب در جریان...

فقر اقتصادی آنان را بسته آورد بود. در سال ۱۳۲۷ اعتماد بزرگی خاطر افاده دستور صورت میگردد. کارگران بالای سر ماشینها حاضر میشوند ولی کار...

در دوران حکومت ملی کارگران همگام با سایر نیروهای خلق در جهت شکوفایی اقتصادی کارگران به کارخانه هم می روند...

در سال ۱۳۲۹ مهمترین انتصاب کارخانه بزرگترین بهترین انتصاب کارخانه که به آن کارخانه نام دارند...

در این سال ۵۲ نفر از کارکنان کارخانه در جریان اعتصاب شرکت می کنند. این اعتصاب در جریان...

در این سال ۵۲ نفر از کارکنان کارخانه در جریان اعتصاب شرکت می کنند. این اعتصاب در جریان...

در این سال ۵۲ نفر از کارکنان کارخانه در جریان اعتصاب شرکت می کنند. این اعتصاب در جریان...

در این سال ۵۲ نفر از کارکنان کارخانه در جریان اعتصاب شرکت می کنند. این اعتصاب در جریان...

در این سال ۵۲ نفر از کارکنان کارخانه در جریان اعتصاب شرکت می کنند. این اعتصاب در جریان...

در این سال ۵۲ نفر از کارکنان کارخانه در جریان اعتصاب شرکت می کنند. این اعتصاب در جریان...

در این سال ۵۲ نفر از کارکنان کارخانه در جریان اعتصاب شرکت می کنند. این اعتصاب در جریان...

در این سال ۵۲ نفر از کارکنان کارخانه در جریان اعتصاب شرکت می کنند. این اعتصاب در جریان...

در این سال ۵۲ نفر از کارکنان کارخانه در جریان اعتصاب شرکت می کنند. این اعتصاب در جریان...

در این سال ۵۲ نفر از کارکنان کارخانه در جریان اعتصاب شرکت می کنند. این اعتصاب در جریان...

در این سال ۵۲ نفر از کارکنان کارخانه در جریان اعتصاب شرکت می کنند. این اعتصاب در جریان...

در این سال ۵۲ نفر از کارکنان کارخانه در جریان اعتصاب شرکت می کنند. این اعتصاب در جریان...

در این سال ۵۲ نفر از کارکنان کارخانه در جریان اعتصاب شرکت می کنند. این اعتصاب در جریان...

در این سال ۵۲ نفر از کارکنان کارخانه در جریان اعتصاب شرکت می کنند. این اعتصاب در جریان...

فقر اقتصادی آنان را بسته آورد بود. در سال ۱۳۲۷ اعتماد بزرگی خاطر افاده دستور صورت میگردد. کارگران بالای سر ماشینها حاضر میشوند ولی کار...

در دوران حکومت ملی کارگران همگام با سایر نیروهای خلق در جهت شکوفایی اقتصادی کارگران به کارخانه هم می روند...

در سال ۱۳۲۹ مهمترین انتصاب کارخانه بزرگترین بهترین انتصاب کارخانه که به آن کارخانه نام دارند...

در این سال ۵۲ نفر از کارکنان کارخانه در جریان اعتصاب شرکت می کنند. این اعتصاب در جریان...

در این سال ۵۲ نفر از کارکنان کارخانه در جریان اعتصاب شرکت می کنند. این اعتصاب در جریان...

در این سال ۵۲ نفر از کارکنان کارخانه در جریان اعتصاب شرکت می کنند. این اعتصاب در جریان...

در این سال ۵۲ نفر از کارکنان کارخانه در جریان اعتصاب شرکت می کنند. این اعتصاب در جریان...

در این سال ۵۲ نفر از کارکنان کارخانه در جریان اعتصاب شرکت می کنند. این اعتصاب در جریان...

در این سال ۵۲ نفر از کارکنان کارخانه در جریان اعتصاب شرکت می کنند. این اعتصاب در جریان...

در این سال ۵۲ نفر از کارکنان کارخانه در جریان اعتصاب شرکت می کنند. این اعتصاب در جریان...

در این سال ۵۲ نفر از کارکنان کارخانه در جریان اعتصاب شرکت می کنند. این اعتصاب در جریان...

در این سال ۵۲ نفر از کارکنان کارخانه در جریان اعتصاب شرکت می کنند. این اعتصاب در جریان...

در این سال ۵۲ نفر از کارکنان کارخانه در جریان اعتصاب شرکت می کنند. این اعتصاب در جریان...

در این سال ۵۲ نفر از کارکنان کارخانه در جریان اعتصاب شرکت می کنند. این اعتصاب در جریان...

در این سال ۵۲ نفر از کارکنان کارخانه در جریان اعتصاب شرکت می کنند. این اعتصاب در جریان...

در این سال ۵۲ نفر از کارکنان کارخانه در جریان اعتصاب شرکت می کنند. این اعتصاب در جریان...

در این سال ۵۲ نفر از کارکنان کارخانه در جریان اعتصاب شرکت می کنند. این اعتصاب در جریان...

پس از پیروزی انقلاب، شوراهای کارگری و کارکنان در بسیاری از کارخانجات و مؤسسات و ادارات و حتی ارتش به تصفیه عناصر فاسد و خائن دست زدند.

چه کسانی از تشکیل شوراهای واقعی وحشت دارند

... صدها بار من گفتم که ساله غورا از آسانی ترینها... شایع است حتی خدا... بی سربش با آن عظمت میگوید ما این مردم مشورت کن و به آنها... خصمیت بده. تا بداند که گشتو... لبند دارند، و مکتبی به نفس رهبر... نباشند، ولی گزینند و میدانم... چرا نکردند! هنوز هم در مجلس... خیرگان بر این اصل اساسی قرآن... بحث میکنند که چه صورت بپسند... شود باید یا نباید... البته... میتوانست این تکامل اسلامی... است اصل شورا یعنی همه مردم... ارزانه، زندگی و واحدها باید... در کارهاشان با هم مشورت کنند... هرگز، در کارهاشان استناد نکنند... هلاک میشود... چرا میشود نمی... دانم!

آقای فرین فریادهای پسر... طالقانی سربزست قبیله...

متأسفانه هنوز هستند کسانی که کار خود را پیش میبرند و فریادها و چراغهای بدطالعانی را بی جواب میگذارند. در حقیقت خود آنها بهتر از هر کسی میدانند چرا میشود...

شوراهای حقوق خندان، طبیعی و مسلم خلق است.

آنها با ساله غورا طوری سرخورد میکنند که گویا میوه... همدردی با مردم اعطا کنند... ما اهل ایرانیکه خلقی دیگر خوب... ندانند که شوراهای حق خدا داد... طبیعی و مسلم است. آنجا که... کسی برای اولین بار شوراهای... در جامعه متحول و انقلابی ما... بوجود آورد و دستور آن را صادر... کرد؟ آیا مزین بود که شرایط... انقلابی و رشد آگاهی و بیانش... معنی اسلام متفرقی مردم ما بزرگ... آنها را خلق کرد؟ شوراهای هم... آنگهی و انتخاب در زمان انقلاب... زاری در عید تشریح فشارهای قا... شیبستی بوجود آمد. و بویژه میرز... ترین هدایت تورمان را به خاک... مالید. همچنین بلافاصله پس از... انقلاب شوراهای مردمی بسیار از... امور مربوط به سربزست خود را... بدست گرفتند. شوراهای کار... گری و کارکنان در کارهاشان و... مؤسسات و ادارات و حتی ارتش به... تصفیه انقلابی مبارک شدند...

شای و اینست دست زدند، بود رحمت... با لایزیند شرایط کار و بسبب در... زندگی فقیرانه مستضعفین کو... شدند. چه کسی میتواند نتایج... برپا چنین شوراهای را آغاز کند؟ و آیا رسیده است تقاضای... زیاده برای رسمیت شناخته شدن... شوراهای تشکیل شده است؟ بعضی در کارهاشان که در اثر... فزاینده آزار آن استوارتر... تهدید بدست تحلیف شد. بودند... اما چنانکه در اعلامیه مورخ ۶/... خیرماه ۵۸۸ ثبت مسلمانان... وزارت کار و ایجاد تشکیل شوراهای... مخالف بزرگ آمده است. همه... چنان است میگردند وجود سندی... در مقابل شورا و تقلیل... وظایف شوراهای حفاظت کار... تا نامشروع میشوند. در اینجا... که بدطالعانی میخواستند مردم... با در مستضعفین فریاد میزدند و... اقدامات چرا نکردند! اعظما... وافتادگریها بدطالعانی مردم... را هتیا میکنند. تا آنجا که خود... میسرند: راستی... چرا نکردند؟ تا با آزارها را روکنند پدر... با اندازه گانی در کف میبندند... "میگویند پس ما چرا نکردیم؟... بر رویه تمیخال کارگان... آمده ای تمیخال هندی برودند... کارگان، و در نتیجه میخواستند... که مردم مسئولیت داشته باشند.

مرتجعین و فرصت طلبان به شوراهای مردمی ایمان ندارند.

اما این مرتجعین و فرصت طلبان مسادگی تفریبان و چهره... خود میسازند؟ مسلما نه. آنها... لباس مویس میکنند تا مردم را... تلافی برای بی محتوا کردن... شوراها در تمام زمینهها بهیچ... میبورد: عدم دخالت در مدیریت... بکارهاشان و مؤسسات مردم... دعوات در فرمایشی، عدم دخالت... در تصمیم گیری مردم و ادارات... و... تنها مطرح کردن مشکلات... کارکنان بدون ضمانت اجرایی... اطلاع از تصمیمات مدیریتی... توسط عمو رابط، همانند کسی... خواستهای کارکنان با اهداف... مؤسسه، تشکیل جلسات و ثبت و... نگهداری صورت جلسات و نظارت... بر رفتار و اعمال فردی و اجتماعی... کارکنان... آیا اینست مفهوم واقعی شوراها؟ اینست معنی حاکمیت

چرا "مجاهد" منتشر نشد

و غیره نسبت داد. ولی ساله... غیر از این است. تخلیه ما... تلامان ما مرحله ای از روند... سازش ارتجاع محسوب می شود... که اولین قدم آن تصفیه نیرو... های انقلابی بر حسب همان بخش... ها و طرحهای است که از مدتها... پیش طراحان امپریالیستی و آن... سوی دریاها برای این انقلاب... تنظیم کرده اند. مردم ما هم... این را خوب فهمیدند. اگر مگر... نه این است که پس از ۵۰ سال... حا کمیت اختناق فلهلوی مردم به... طور غریزی، بی وعدهای مخفان را... دور میگرداند؟

پس از استناد ما در مورد... تهیه خانه همکارها و کمک ها... و همدردیهای مردم که شرمزده... ما نمیگردد. شرمی متولان و... انگیزنده در جهت انجام وظایف... اسلامی و انقلابی، درخور حمایت... های مدیری شما، حمایت های... که گاه تمام سالها زحمتدو... ما نی کارگری و مردم ما دانش موزی... را کامل میدند. بدیهی است که... تشکر از این مراجع مردمی (هر... چند هم از نظر کمیت تا چیزی... باشند) در این طور نمیگردد... فقط با بیعتی دعا کنیم خدا یا... ما را در عمل شایسته اینها... بشما (که از نظر کیفی بسیار... والا و بلند مرتبه اند) بگردان،... بقین ما داریم که کمک کنندگان... ما سی بالاتر از آن بوده و... هستند که به سیاس و تشکر لفظی... ما چشم دوخته باشند.

فقط بندی از جناحی... انقلابی

آری مردم خوب فهمیدند... بودند و میفهمند که هجوم به... مرکز ما همدین یعنی چه... آنها... میدهند که مراکز دیگران... چنین مورد نظر مستقیم ساله... مقابل ما انقلاب و انقلابیون... است، و هنوز نوبت دیگران نرس... سیده است.

حالا هم موقع اجاره کردن... با خشان جدید وقتی میگوئیم... برای فعالیت ما همدین سی... خواهیم از جمله دست راستی... ها اظهار نگرانی میکنند. آیا... برایتی مردم اشتباه می کنند؟... اگر واقعا چنین است و ترس... مردم منتها... عینی داره، چرا... دولت و بقیه مسئولین با حال بن... ساله (از طریق دستگیری... دمداران و ما ملان فاشیست... جلب اعتماد نمی کنند؟ چرا... ما در جریان تخلیه ستاد ما... مقاومت در مقابل هجوم دست... های غیر رسمی ثابت کردیم که

مردم سربزست خودشان؟ یا نیست... سخت بیامیزد که سرخلاف نظر... خود به رای مردم سستی بر شرکت... در جمع کل کرد و آیا لااخره... آنچه که بدطالعانی برایش به... گویای باشوا فریاد زد؟ چه... خوب ارتجاع واقعا خنده دوسه... می گفت: ... و چه مدت چرا... نگردند... چه خوب خطر را... احساس میگردند. بقول بنام وزیر... در روزهای آخر خیلی نگران... بود...

چرا پدر دلیل نگرانی خود... را "مرحله" گفت؟ چرا بیساری... نگفت که... چرا نگردد... برای اینکه مردم خود وقت... در انتظار کسانی است که درسی... طالعانی و اصحاب میگویند، بی... به راه و خواست و آرا ما اویت... بر مردم را فراموش میکنند... این کار آنها مزولوت گردان... هم امیل اسلامی، و مستعد دان... به دست فرصت طلبان، و به بن... بست کشادن جامعه چه نتیجه ای... میتوانند داشته باشند؟

وما نیز مردمان تا غلب... بدطالعانی خشمگین اگر هنوز... اشکباری چشمان آن رسوک ای... غنک شده و به چاه امین نشسته... ایم. بخواهیم آراء ما محروم... شویم، و به ما بی بیعت کنیم... بخدا سوگند که به اسلام و آریان... طالعانی و فاداریم، بخواهیم راه... سی وقفه ادامه خواهیم داد... تا شوراهای واقعی که متعسف... حاکمیت مستضعفین سربزستشان... از طریق شرکت مردمی بریست... اداره امور و در همه جهات ن... است، برقرار گردد.

بقیه از صفحه ۲

بزرگ و عزیز می کنند اینقدر... لبابت ندارند که از همان... با خشتا سها استفا ده گشته؟ حال... اگر از این جزئیات و بهیانه نگوید... بگو عا راج شده و ساله را از... دید با لایزین مورد نظر قرار... بسیار ذکر یکی دو نکته دیگر... سبها را روشنتر است:

آنروزها درست پس از... انتخابات مجلس خیرگان بود... در مورد تقلبات و اعمال نفوذ... با هر چند خیلی زهر چشمها گرفته... بودند، همه گفتند و نوشتند. ما... نیز تشریهای فوق العاده بهمین... مناسبت منتشر کردیم. افتا گری... های ما بخیلی ها گران افتاد



جناب آقای مهدی مهدی بازرگان

مگر اینکه کسی فقط خودش را... احصا وظایفانه سمبل تمام میا... اسلام و مسلمانان دانسته و با... منحصر کردن خدا و اسلام به... خودش هر کس جز خودش را کافر... و متناقض و زندق و حری و... مفید فی لاری و شرک و امثالها... بداند (چون میدانیم که بر حسب... تمام موازین فقهی همین که... کسی شهادتین گفت مسلم است... و کسی حق ندارد بگوید مسلمانان... نسبت و تندیاب به هیچ وجه... الوجود متعزیه او شد. حتی قرآن... در آیه ۹۴ سوره نسا، میگوید: ... یا کسی که از در اسلام با شما... درآمد نگویید تو مؤمن نیستی... تا بدین وسیله (با تعزیه بی... جان و مال یا آبروی او) متناقض... دنیوی خودتان را تا زمین کنید... بنا بر این اگر ساله... خدا و اسلام بود هیچکس نمی... تواند تفسیهای چند هزار نفری... نماز جماعت و سوابق عقیدتی... آن جوانان پاکبخت را تا دیده... بگیرد. لذا معلوم میشود که... اسلام و اسلام پناهی اینجین... نهادهای بی شش نبوده است... عارت دیگر مرتزبه ای در عمل... مرتزبه ای میان انقلاب و ارتجاع... است و نه میان اسلام و غیر اسلام... این منظر را مرتجعین اسلام... پناه ۱۱ خود در جریان حمله و... افراخ مان از دفتر مرکزی به... اشکات رسانیدند. البته ما نیز... متفلا با موسیقی خومان... ما هیت فدا سلاسی آنها را به هر... کسی که میخواست تفاوت اسلام... علوی را از اسلام جامع و شلاق... با زشتا بد بر ملا نسویم، حال... بگذارد و دیگر نیز ما را از یک... با خشان دیگر هم بهمین ترتیب... بیرون کنند. بخصوص که همه... فهمیدند غصی بودن ما خشان... بهانه است. چون ما از مدتها... پیش از مسئولین امور تقاضای... تمییز ما لااجاره کردیم و می... که یک نمونه آن عینا کلمش... میشود.

بنابراین فردی تخلیبه... ستاد در بسیاری از ادیان... سؤال ایجاد شده بود که اگر... صرف نظر از تمام سوابق گذشته... مجاهدین (موقتی که خیلی از... آقا بان در زیر سایه رژیم فقی... در منزل تشریف داشتند)، ساله... نسبت لامل مطرح سوسیالیست... کاخا، منازل، انجمنهای سها... جواهرات و اشیا، متعزیه آبادی... رژیم سابق بکجا رفته و در... دستهای چه کسانی است و چرا... نسبت کامل و شروح اینها منتشر... نشود؟ و راستی چرا اینها... از کلیه ساختنهای رژیم... بهیچن که بنا زلتنی قیمت ما... به برخی اجاره داده شده و... اختیار مردم نمیگذارند؟ آیا... این "مردم" را که بهیچکام

به انحراف منحصر میشود.

" و اما انشا و فطما علماء ابرار انقیاء " (سبح السلافة خطبه همام)
 آنگاه که روز دوشنبه را می‌شد منا سرگامی هشتاد و اندیشه مکتبی، به نیکوترین احوال روی آوردند و در تقوا و رغبی و ایستگی‌ها بکوشند.

قلم چگونه می‌تواند در بیان ویژگی‌های پدربطالقانی حق مطلب را ادا کند؟ نجاکت که زندگی پدربزرگ‌ترین گواه برحقانیت او و راهش بود برستی زندگی او را می‌تواند و ستم‌نویز زندگی او را می‌تواند و راه انقلاب و اسلام بود زندگی او را می‌تواند و در راه بیان سوداین زندگی از آغاز تا به سر خوردن و انقلابی با مکتب توحید شروع شد، تا تفسیر

ترسم نرسی به کعبه‌ای عرابی این ره گش تو میروی به ترکستان است.
 پدربزرگ گفت: از خصایص قرآن و درک قرآنی اینست که معنی از مسائل و حقایق قرآن در ضمن حرکت برای آسان تبیین می‌شود نه نشستن یک گوشه‌ای و این تفسیر آن تفسیر و این بیان آن بیان، این اظهار نظر را دیدن و اینها را جمع کردن (قرآن در صحنه تفسیر سوره الفاتحه) برخلاف ما نیست، جویان پدربطالقانی از مکتب توحید آموخته بود که اعتقاد آن نیست که بر زبان آوری و در مرادوات خود بر آن تکیه کنی و دانش دهی، بلکه نهایت تامل و اعتقاد در فردها من شیوه زندگی جماعتی و فردی او است. همان مصل اجتماعی که فرد بدین روی آورده است بیان امتداد و مکتب او است به همین علت پدربطالقانی هنگام یادکرد نویسی

ببین همه نیروهای اجتماعی تبدیل شده بود.
 نگاهی به گذشته مجاهد اول به صورت مبارزه اجتماعی پدربطالقانی در دهه ۳۰ و در نیت ملی رهبری دکتر مصدق ادامه می‌یابد و پس از کوتاهی تنگن ۲۸ مرداد که نیروهای اجتماعی به سمت رکود و سکون گرایش پیدا کردند، و ارتجاع به ساری باز رزم طاقتورانه ندادند بود پدربطالقانی هنگام با مبارزه درگیری نهضت مقاومت ملی را بی ریختند و مبارزه تیم مخفی خود را آغاز کردند، پسر در این دوران ملجا و پناگاه افراد مبارزه بود، با تشکیل نهضت آزادی بصورت مترقی‌ترین نیروی اسلامی در آن مرحله، پدربزرگ جدیدی از مبارزه اجتماعی خود را

" باران گریه... "

در ماتم نبودن آنکه وجودش هستی همه ما بود (پدربطالقانی)

دیروز " سعود " را چگونه بگویم
 دیرگس
 دیرسوک آن دلیر مجاهد گفتم
 دیرگر سرود غمگانه نباید خواند
 دیر زخم عمیق و کاری دشمن
 دیر دست دوست
 دیر چگونه جمعه به میعاد پانجم
 دیر عاشقان بی روی کلاش
 دیر وقتی که جمعه به میعاد می روند
 دیر چه سان زنبودش خبردهم
 دیر باران گریه ماتم نمی دهد
 دیر وقتی که شهر
 دیر نه
 دیر تمامی مهنت گشان دهر
 دیر ماتم بزرگ نبودش نشسته اند
 دیر باران گریه ماتم نمی دهد
 دیر بزرگ
 دیر مرد همیشه پیگار
 دیر پیر دلیر میانه میدان
 دیر تندین استقامت و ایثار
 دیر نگاه بار سفر بست و رفت و رفت
 دیر امروز قافله سالار گاروان
 دیر خیل مبارزان مجاهدرا
 دیر تنها رها نمود
 دیر عرق در اندوه بی امان
 دیر باران گریه ماتم نمی دهد
 دیر بعد از نظاهرات وسیع ۱۶ و ۱۷
 دیر شهرکوزیم در سرکوب مردم
 دیر کوچکترین تردید بخود راه نخواهد داد. اینان مخالف هر نوع نظاهرات مومنی و کتبی بودند تردید و تردی مانع تصمیم شده بود. در چنین موقعیت حساس پدربطالقانی اعلام می کند که راه بیما می عمومی تا سوسا را احاطه نداد که خواهد دید با خانواده خود از بیخ میسران حرکت خواهد کرد. در بی اعلامیه ایشان گروه هنوز تردیدها هرا سا ها به خود خورد کرده بودند ولی نیروهای حمایت پرده خند و شرکت فعال خود را اعلام دادند و در بی نظامی را مات کردند.

بیانیت چهلمین روز گذشت آیه الله طالقانی بیاد آن انقلابی خداگونه پیامبر تبار که روح انقلاب ما بود مکتب توحید و قرآن نور هدایتی است در برابر جامعه ای که می خواهد خود را از قید وابستگی و استعمار برهاند

از اسلام راستین، در زندگی اجتماعی اثر به تحقق این هدفها پرداخت و مبارزه با استبداد و استعمار را آغاز کرد سابقه این درگیری و مبارزه به دوران دیکتاتوری رضاخانی بازمی گشت. فشارهای رژیم وابسته به استعمار از همان موقع آغاز شد تا زندگی را سر مبارزه و ستم و دیکتاتوری و تبعید گشود گشت. پدربزرگ حرکت اجتماعی خود یافته بود که بخشهای مجرود بدور از معنیات و مجرا از حرکت جامعه و تاریخ و طبیعت به ذهنی گزایی و بافتن فعالیت تبدیل می گردید، که نه تنها گشاینده راه خلق و توده های تحت ستم نیست، بلکه به مرور به سدی تبدیل می گردد که جلوی حرکت و تکامل اجتماع را می گیرد. به عامل رکود و فقره، غمودی و سرانجام مرکز اجتماعی تبدیل می شود، و وسیله ای در دست استعمار می گردد که با سوء استفاده از این عوامل فقره به انقلاب مردم غریه بزند (سخنرانی آیت الله طالقانی بمناسبت هجرت دکتورشریعتی و

از اسلام راستین، در زندگی اجتماعی اثر به تحقق این هدفها پرداخت و مبارزه با استبداد و استعمار را آغاز کرد سابقه این درگیری و مبارزه به دوران دیکتاتوری رضاخانی بازمی گشت. فشارهای رژیم وابسته به استعمار از همان موقع آغاز شد تا زندگی را سر مبارزه و ستم و دیکتاتوری و تبعید گشود گشت. پدربزرگ حرکت اجتماعی خود یافته بود که بخشهای مجرود بدور از معنیات و مجرا از حرکت جامعه و تاریخ و طبیعت به ذهنی گزایی و بافتن فعالیت تبدیل می گردید، که نه تنها گشاینده راه خلق و توده های تحت ستم نیست، بلکه به مرور به سدی تبدیل می گردد که جلوی حرکت و تکامل اجتماع را می گیرد. به عامل رکود و فقره، غمودی و سرانجام مرکز اجتماعی تبدیل می شود، و وسیله ای در دست استعمار می گردد که با سوء استفاده از این عوامل فقره به انقلاب مردم غریه بزند (سخنرانی آیت الله طالقانی بمناسبت هجرت دکتورشریعتی و

جدیدی از قرآن و اسلام بدست دهد. این تفسیر می گویند که رنگارهای قرون و اعصار را از زنگه والای اسلام پاک کند و آلودکیهای شرک و ناپاکی را از دامن آن بزداید و پویستن وارونه اسلام را که با آلودگی های طبقاتی و ارتجاع و استعمار در طول قرون و اعصار ترسناک شده بود به لباسی زیبا میل سازد که انسان را از سرمای سخت و کخته برهانند و خسارت و گرمی بخشد. پدربطالقانی زندگی انقلابی خود را از اینجا آغاز می کند. یادکرد این درد که جراد محیط های اسلامی ما قرآن ارشاد آوری ها پیش در بسته فراموشی آگاهانه فرو رفته است. و بحثها و جدلهایی جای آنرا گرفته که نه تنها به درد یک جامعه منحول نمی خورد بلکه همانند لابی برای انسان به خواب رفته می ماند. کار پدربطالقانی اولین حرکت فرهنگی در دستن اسلامی انقلابی بود که بر پروردگان و درگیر شدن با ارتجاع داخلی و استعمار ربار دارنده در این راه خودمردی را نشان می داد و چون گشود با ستم و ستمیان آتش نشان در گرو و زانو نشسته باشد. به ابوزری نیاز داشت که در برابر هر چیزی انحرافی و ارتجاعی از اسلام با ستم و در این راه سرزنش و سرکوب او را از تعقیب هدفش باز ندارد.



غم این خفته چند، خواب در چشم ترم می شکند (در مجلس خبرگان)

در سال ۵۸ موم جدید انقلاب مسلحانه پدربطالقانی نیز همراه با غرض و دانش راهی تبعیدی می شود و مجدداً فشارهای دیکتاتوری بر او دشت می گردد. این فشارها تا ثیرات خود را بر بر بنیه تبعیدی می گذارد. در دستگیری مکرر سال ۵۲ پدربندانگ زیر شکنجه شدت خواهد رسید. بیما را قلسی در سال ۵۷ دیگر آرامش او را سلب کرده است. او را از این زندان به آن زندان برای ستمی شدن در بیماستان می برند. آسیم بعد از ما از حرکتین دکتور بود و خواستن و نامه نگاری برای اعزام به بیماستان و برای معالجه نا را حتم قلم اش.

مدرسه فقهیه در خطبه آخرین نماز جمعه بر گزار شد ای ۱۷ شهریور. به این دلیل همیشه مرز اندیشه های توحیدی را از انتزاعات غیر منطقی و بحثی پیدا گرگرا یا نه مشخص می کرد، و خود را در جدلیات غیر منطقی درگیر نمی نمود. باین دلیل اندیشه های توحیدی پدربطالقانی همیشه راه گشای مبارزه و انقلاب بود، همیشه بازگو کننده مشکلات و دردهای جامعه بود. و همواره راه حل دردهای اجتماعی را ارائه می کرد. و بدلیل واقعی بودن افکار توحیدیانه به عامل وحدت

رابطه جهاد و عقیده در پیش توحیدی اما پدربطالقانی بدرستی آموخته بود که اسلام و توحید مکتب زندگی و عمل است. چراغی است در بیما پیش کسی که می خواهد مسیر پر پیچ و خم تاریخ را بیما پند و راه خود را به سوی قلبه تعالی باز نماید. قرآن هدایتی است در برابر جامعه ای که میگوید خود را از قید وابستگی و ستم و استعمار برهاند و به جامعه ای توحیدی و بدور از طبقات و استعمار برساند. پدربطالقانی که میگوید این درک اصیل اسلامی را با زگوید و مفسر کبیر قرآن باشد، میدانست که هموار کردن این راه و درک و شناخت آن جز در جریان یک مبارزه و جبهه استعمار اجتماعی امکان پذیر نیست. و تنها کسی و گروهی می تواند درک انقلابی از اسلام را بدست آورد و آنرا باز گشاید که خود در گور ان حیوانات تاریخ افتد و در دریای خلقی انقلابی شناور گردد و ساحل نجات را هنگام با مردمش جستجو کند. آنکس که در دریای فتنه های استعمار و استبداد ستمجوی راه برنخیزد، و همانند مردگان بخواب رود، و شیوه سکوت و سلامت را پیشه کند. کجای می تواند راه خود را به سوی ساحل نجات با ریا بدو تاز و ره گشای مردم نیر باشد.

موج جدید انقلاب در دیدگاه پدربطالقانی
 که از انقلاب خلقی تحت ستم خمینی تکلیف میگیرد، چون طوفانی بر سر راه خود میخورد کلیه نهاد های رژیم دیکتاتوری را سر وازند، تورا میدی بود که پدربطالقانی وعده آنرا داده بود. او در حرکت انقلابی مردم تلورخواستهای خود را میدید و نتیجه، فعالیتها فرهنگی سیاسی و انقلابی اش را می یافت بخشی مشاهده میکرد که چگونه نهال انقلاب که از تومر زبا غنای سابق و پاک باخته اش بود، به شمرشته و گل میوه داده است. اولین دست آورد این حرکت انقلابی آزادی زندانیان سیاسی بود. پدربطالقانی نیز تا حدتبعید انقلابی این نهاد را رشد یافته بود و با سایر نیروهای در بنساز زندان آزاد شد. ایشان با رهبران این ساله تا کید استند که ما آزادی خود را مدیون خون شهدا و مبارزات قهرمانانه خلق ایران هستیم. و این ساله تنها تبعید اسلامی و انقلابی است که مکتب خلقمان نر و ستر کرده بود. سنگین تری را بر دوش ما گذارده است.

نظاهرات وسیع تا سوعا حالتی محافظه کارانه داشت
 پس از آزادی از سیاه چال آریا مهری پدربطالقانی نقش فعال خود را در انقلاب عهد دار میخورد و به حرکت انقلابی مردم و خصوصاً مردم تهران متحرک غامبی می بخشد. در دوران شکوفایی انقلاب ایشان در هماهنگ کردن حرکتها و هدایت آنها و تشویق توده ها با ستمقاقت و یابرداری در برابر ستمکلات مبارزه بسیار پرتلاش بود. پدربطالقانی یکی از فعالترین رهبران خود را در این دوران برگزیداری او را بیما می با شکوه تا سوعا عاشورا میدانست. در شرایطی که تازه از زندان آزاد شده بود به علت امتعادی که توده های مردم بدیشان داشتند نزدی پدربطالقانی خود یافتند. در همه زمینه ها با ایشان مراجه کردند. برای برگزاردی نظاهرات در ما مردم تردیدها بسیار وجود داشت. برخی فکر می کردند چون حکومت نظامی از راهی هر نظاهراتی را در هم خواهد گشود بیما پدربطالقانی را رگرا بیما می محتاط بود. عده ای می گفتند

در شرایطی که او این چنین درگیر مسائل اجتماعی بود، بیما صحنه های بیگانه مردم در کوی و بزمین هشیا راه و آگاهانه برخورد می کرد، و نقش هدایت نقشه در صفحه ۸

گفتگویی با ترمیم بزرگترین فرزند پدر طالقانی

پیام زندگی آیه الله طالقانی: کسانی که انقلابی واقعی هستند از هیچ نهمت و برچسبی نباید بترسند

بناهای هجرت پدر را واقعاً از روی ناسیاسی تمیز کردند

درباره پدر طالقانی هم زیاد نوشته اند و هم زیاد گفته اند. لکن پای صحبت کسانی که سالهای سال از نزدیک با پدر زندگی کرده اند تامل و اندک اندک دیگری دارد. حال که در آستانه چشم میزبانان رفته خود هستیم بی مناسبت ندیدیم که پای صحبت دوست از نزدیکان - همسر و فرزندان بزرگ ایشان (آقا محمد ریم طالقانی) - بنشینیم. حرفهای زیسر حاصل دو نشست و گفتگو با ایشان است.

سوال: رابطه آقا با شما چگونه و در چه حدی بود؟
جواب: بعضی وقتها که مسئله ای پیش می آمد می گفت: "به عقل نادم من این جور میرسد به عقل نادمی شما چطور؟" در منزل خیلی خوش شام بود. و خوش خلقی یکی از رفقایشان بود. دختر و پسر برایشان نری میگرد. و بعضی اوقات هم می گفتند من از دخترهایم بیشتر از پسرهایم راضی.

سعی کنید خودتان آزاره مطالعه به

یقین برسید، دگم نباشید

شما در مورد مسائل سیاسی با ما صحبت میکرد؟
- بعضی اوقات که لازم بود. مثالی هم از من میگردید. اخباری هم از من می گرفتند، اظهار نظرهایی هم میخواستند. مخصوصاً از نظر اسلامی. مثلاً یکبار به من گفتند: "میکنی است هوشی مخصوصاً در جوانی شکمهای برایش بود، باید، برای خود من هم پیش آمده، سعی کنید خودتان آزاره مطالعه بقیقین برسید. دگم نباشید. هر کتبی راه هم که میخواهد مطالعه کنید چیز خصوصی را پیش پای ما نمی گذارند. می گفتند: "هر کتبی که نمیکنید به بیعتان من میرساند مطالعه کنید که شما با آقا اختلاف عقیده پیدا کرده باشید؟"

- بله، البته قبل از انقلاب بیشتر به هم نزدیک بودیم. اما بعد از انقلاب گرفتاریهای آقا آنقدر زیاد بود که کمتر به خانوادهاش می رسید. یک چیزهای پیشین فکر میکردم آقا اینها را میدانند. فلان میخواست آقا که شخصیت سیاسی هستند توضیح بدهند تا ناراحتی می رفتیم پیش آقا که چرا اینطور شد و چرا اینطور ایشان که هر چیز سیاسی را نمیخواستند با ما در میان بگذارند. گاهی وقتها سکوت میکردند. گاهی وقتها جوابی به ما می دادند. می گفتند: "بعد از آنراحت می شدیم، ما حالت تهرونا را حتی از منزل می آمدیم بیرون. آقا خودش می شدیم. بعد فکر میکردم که خوب نباید ما همه مثل رانندیم در مورد مسائل که گفتند اشکالی نداشت آن اختلاف پیش می آمد. اول حالت ناراحتی پیش می آمد. بعضی میگردیدیم بنشینیم پیش من صحبت کنیم. اما اینکه مسائل که باعث ناراحتی آقا می شد نظر چندمیدیم. چون خودمان احساس میکردیم که آقا همه چیز را میدانند، دیگر نمی باشت از طرف خانواده هم بهش فشار بیاوریم.

پدر در خانه حالت متواضعی داشت

تا تاثیر برداشتهای غایب آقا از اسلام توی زندگی عمومی چگون بود؟
- اصلاً یک حالت بزرگتری با یک حالت امروزی کردن هیچ وقت در وجودش نبود. یعنی اگر یک لیوان آب میخواست و همه به ما هم بودند خودش میرفت می آورد یک حالت متواضعی داشت با بچه های کوچک بخصوص خیلی خوب بود. بچه ها فضا نیش نمیگرفت و با ما تا راجحش میبند. به خانمش آقا "دستور تمیذاد."

وقتی آقا را می گرفتند شما چه احساسی داشتید؟
- میدانید که آقا از زمان قبل پیش ما روزه میگرد. یعنی قبل از من که بزرگترین فرزندان

هستم. در اوایل که من نفهمیدم چون یک مقدار کوچکتر بودیم. آن سال که زندان بودند، از من قبل از فرزندم معروف شاه کر گرفتند تا من درست یاد منیست چون منزلشان نبودیم ازدواج کرده بودیم آقا وقتها یک مقدار بیشتر احساس ناراحتی میکردیم. اما سعی میکردیم جلو آنها ناراحتیمان را بروز ندیم چون آنها یک حالت خوشحالی پیدا میکنند، از اینکه ما ناراحت هستیم. در تمام دادگاهها ایشان شرکت میکردم. آقا روحیه ای داشت که ما نمیتوانستیم ابراز ناراحتی کنیم. اگر هر نوع ناراحتی برایشان می آمد، بروز نمی دادند که ما ناراحت شویم.

الین با رگه آقا را گرفتند

کجا بودید؟ یادتان هست؟

- اولین بار سال ۵۲ بود چون میدانید که سال ۵۲ وضع خیلی بد بود، اوضاع و احوال هم با عقابان، و بچه ها را شنیدیم. شکتی میگردند از هیچ چیز باقی نداشتند. من صبح شنیدم. خیلی ناراحت شدم تا ۴ ماه از ایشان خبر نداشتم. کمیته بودند. بعد که اوین رفتند میرفتیم ملاقات. یکدفعه آنجا یک جملی ای به من گفتند که من راجحی ناراحت کردید (اوضاع اطراف مناسب نبود نمیتوانست درست صحبت کند)

گفت: "دیر روزها لم بهم غورده بود"

ومن را مشت و مال دادند. من خیلی ناراحت شدم فکر کردم مشت و مال یعنی شکتی هفت ماه بعد که رفتم جومانستری بود. توانستم یک کمی صحبت کنیم گفتند واقعا مشت و مال داده بودند من بی حال شده بودم. ناراحتی های عمیق که برایم پیش آمده بود. و اینها از ترسان من را مشت و مال دادند که عالم جا بیاید.

اینکه گفتیم اولین بار

منظورم از نظر زمانی بود. گویا جریان تواب صفوی بود. به آقا گفتند اینها آزاره داده اند منزلتان

هر چیزی که مردم از آن خوشحال

میشدند پدر را شاد میکرد
فکر میکنید بزرگترین بچه

رتیو... خوشحالی آقا چی بود؟
- باید یک کمی فکر کنیم چون آقا بیشتر زندان بود و بیرون هم که نبود همه فکر و دگرگشتان فعا نیت سیاسی و اجتماعی بود و همیشه با بود چیزی که خیلی رتجان فاد سال ۵۲ - ۵۵ بود در مورد بچه های ناراحت میشدند. گروهی بی را که می گرفتند شکتی میشدند.

چیزهایی که خیلی خوشحال میشدند در رابطه با مردم بود. چیزهایی که مردم از آنها خوشحال میشدند تا پدر ۲۲ - سهمن خیلی خوشحال شدند، که فوراً دستور دادند بچه های را دیوبند بیرون آمدند و اعلام کردند که انقلاب پیروز شده است.

پدر میخواست آن مکتب و آن بچه

و اقای بیرون شوند

و منعت آقا و حالت روحیش در مورد شکتی ها و پیروزی های که بودیم. اما مثل کودتا ۲۸ مرداد ۱۵ خرداد - اعدام برادرها - و شکتی هایی که آقا کرده بود پیروزی انقلاب چطور بود؟
- در مورد اردی خیلی ناراحت

بود. من یاد می آید بعد از آن ۵۰ - ۵۲ که عقابان خیلی بود. و آن جریانات ما روزه ملحقان که بچه ها را گرفته بودند خیلی ناراحت بود. اغلب نزدیکهای خیم پیدا را بودند و زب میخواست همه اش سرش بطرف آسمان بود. فکر میکردم خواب هستیم سعی میکردن ناراحتیهای روحیش را بطرف بچه ها بروند که باعث باس نشد. اما خیلی ناراحت بودند نفع غیب با یک حالت خیلی ناراحت کننده. مثل اینکه همه اش با عدا را زونیا میگرد. و شاید هم میدانم میخواست آن مکتب و آن بچه ها واقعا پیروز شوند و به آنچه که میخواستند برسند. ما هم هست آن وقت تا اقلب برده ما را میگردند. یادتان هست؟ معنوی خواب که تروریست و... من یک سوال از آقا کردم که خوب آخرفه فایده دار این همه بچه ها شکتی می شوند شکتی میشوند...؟

بعد من گفت انقلاب در جامعه ای که مردمش آگاه باشند که میبود نمی آید. انقلاب بچه های انقلابی در آن جامعه ای مؤثر هستند که مردم تا آگاه باشند چون در یک جامعه آگاه که نه عقابان بوجدومی آید و نه اوضاع به انقلاب درنده عقابان را از بین ببرند. بنا براین اجتماعی انقلاب لازم دارد که مردم آگاه باشند و مسلماً

۱- بیمن سال ۴۱ که آقا را گرفتند با ۶۰ زندان قهر بودند روز اول محرم آقا را از آنجا بردند. صاحب نهم مسجد هدایت صحبت کردند. تمام جریانات زندان را و وضع زندان و غذای زندان را تعریف کردند. که منجر به زندان رفتن دوباره شد. به این شکل شب ۱۱ محرم که آقا غمی را گرفتند خبر دادند آقا راهم حتما میگردند. آقا از منزل رفت بیرون. ۲۰ تا ۲۵ روزمقی بود. چون بیرون نداشت یک پرونده برایش درست کردند. مواد منجر به گذاشتن دست منزلی در شیران. بعد گفتند پسرش گذاشته. بعد راجحها را با او سان گرفتند. با وضعی که تمام اهل ده را - ناراحت کردند. مثلاً یک باغیاتی را چسباند بودند به دیوار که با دیوگی آقا کماست. گفته بود نمیدانم آقا فهم از بلندی دیده بود، فیمیده بود که آمده اند سراغ او. بعد آمده بود توی ده گفته بود باقیان را بگیرند. من فراری نیستم بعد از گرفتند و آوردنش شهران زندان قصر. در تبعید به آقا خیلی سخت می گذشت

وقتی آقا را می گرفتند

ما کما ری نمی توانستیم کنیم. اینطرف، آنطرف تبعید. اول خیلی ناراحت بودیم چون سال ۱۳۱۸ آقا را



حاضر در جریان نخستین روی زمین را برادرانم

مردم آگاه میشوند. آنقدر امیدوار بودند که من باورم نمیشد.

من همیشه فکر می کردم پدر از اندیشه جوانها آشفته میگرد

گفتند آقا ۴ سال سابقه سا روزه داشت. خیلی ها بودند که هم قدیم بودند. هم سفش بودند. از همان زمانها میگذشته یعنی در وسطهای راه، کوشا آمدند و رفتند دنبال زندگیشان و در هر صورت پدر روزه اول کردند. اما آقا اگر جلوتر نبود هیچوقت عفت تر نبود. و با بیای میا روزه با اشکال مختلف میا روزه آمدند فکر میکنید علت اینکه آقا آنقدر وجودی داشت چه بود؟

- آقا تا آخرین لحظه زندگی میخواست اسلام متحرک و متحول و انقلابی را که خودش بهش ایمان داشت پیدا کند. و در هر مرحله ای از زندگیش فکر میکرد یک جوری و به یک طریقی اسلام باید پیدا بشود. هر مرحله یک جور میا روزه میکرد یک موقع توانه می نشست و کتاب می نوشت یک مکتوبی فکر میکردم پدری جوانها کار کند و البته امروزیگی را که با پدری جوانها کار کند از اول جوانیش داشت. چون عکسهای که ما داریم بیشتر جوانها است و همیشه فکر میکنم از فکر جوانها استفاده میگرد. و با تجربه ای که خودش داشت یک مکتوبی بودی آورد.

فکر میکنید این نشست

و برخواستن پدر تو حرکت افغانا تاثیر داشت؟
- در مورد شکتی ها و پیروزی های که بودیم. اما مثل کودتا ۲۸ مرداد ۱۵ خرداد - اعدام برادرها - و شکتی هایی که آقا کرده بود پیروزی انقلاب چطور بود؟
- در مورد اردی خیلی ناراحت

بای صحبت های "مادر طالقانی"

خاطرات و فرازهایی از زندگی آیت الله طالقانی در محرم ۲۲ برای دستگیری آقا تمام اهل ده را ناراحت کردند

گرفتند من خیلی ستم کم بود. چون بودم و ناراحت. اما بعد دیگر چون زندان رفتن ایشان، مکتوب بود. حضور بودیم بنام این وسیع بازمیم. بعداً دیگر شبهایی که میریختند تو خانه بچه های ما طوری شده بودند که آن دختر بزرگمان با یکی از رفقا اول میرفت خانه را میگفت بعد یکی هم با آقا میرفت.

یکدفعه آقا را زایل تبعید کردند چرا که آقا تمام رفقایان شبهای ایام صحبت کرده بود و روزی پدر فرکه قرار بود برود مسجد آمدند منزل و گذاشتند که برودند. بگما در منزل تحت نظر بود. آقا با یکسان دم در نشسته بودند و ساعت ۸ ساعت موز میبندند. ما هم کم میخواستیم برویم مراسم میبندند. کما می هستم کسی هستید؟ ما چون عادت شده بود بر ما این گریه و زاری نمیگردد. بر ما ما این بود که جلو دشمن اظهار ناراحتی نکنیم. بعد آقا را بردند. من رفتم دادری ارتش که بیمن حتما به زایل بردند با جای دیگر گفتند با یادنامه بنویسی تا یک هفته دیگر جواب میدیم. من گفتم تا یک هفته دیگر جواب میدیم. من گفتم کم میروم پرس و جوی کنیم. رفتم منزل ساعت نیم بعد از ظهر بود تلفن زدند آقا از زاهدان صحبت میگرد. او گفت منزل آقای کفمی هستم. گفت من رایک ساعت دیگر میخواهند ببرند زایل. بعد از ۲۵ روز من با بر کوچک رفتم زایل. ۳ ماه آنجا بودیم. برای من صد برکتیم. مدتی را اینجا بودیم. بعد آقا را بردند تا نگاه می میرفت پیش آقا. چون تنها بود، و کسی حق نداشت برود پیش او. او هم حق نداشت حای برود. آقا آنجا فریب بود. این بود که پیش خیلی سخت میگذشت.

در راه پیمایی عاشورا ماهه آماده

شهادت بودیم
۳- در راه پیمایی تا سوا و ما غورا حاجتی اسم وفا میلان را تویک کیف کوچک بول خورد همراه داشتیم. که اگر شکتی شدیم معلوم باشد. تا این حد آماده گشتیم. اما خود بقیه در صفحه ۸

شهادت بودیم

۳- در راه پیمایی تا سوا و ما غورا حاجتی اسم وفا میلان را تویک کیف کوچک بول خورد همراه داشتیم. که اگر شکتی شدیم معلوم باشد. تا این حد آماده گشتیم. اما خود بقیه در صفحه ۸

شهادت بودیم

۳- در راه پیمایی تا سوا و ما غورا حاجتی اسم وفا میلان را تویک کیف کوچک بول خورد همراه داشتیم. که اگر شکتی شدیم معلوم باشد. تا این حد آماده گشتیم. اما خود بقیه در صفحه ۸

شهادت بودیم

۳- در راه پیمایی تا سوا و ما غورا حاجتی اسم وفا میلان را تویک کیف کوچک بول خورد همراه داشتیم. که اگر شکتی شدیم معلوم باشد. تا این حد آماده گشتیم. اما خود بقیه در صفحه ۸

شهادت بودیم

۳- در راه پیمایی تا سوا و ما غورا حاجتی اسم وفا میلان را تویک کیف کوچک بول خورد همراه داشتیم. که اگر شکتی شدیم معلوم باشد. تا این حد آماده گشتیم. اما خود بقیه در صفحه ۸

شهادت بودیم

۳- در راه پیمایی تا سوا و ما غورا حاجتی اسم وفا میلان را تویک کیف کوچک بول خورد همراه داشتیم. که اگر شکتی شدیم معلوم باشد. تا این حد آماده گشتیم. اما خود بقیه در صفحه ۸

شهادت بودیم

۳- در راه پیمایی تا سوا و ما غورا حاجتی اسم وفا میلان را تویک کیف کوچک بول خورد همراه داشتیم. که اگر شکتی شدیم معلوم باشد. تا این حد آماده گشتیم. اما خود بقیه در صفحه ۸

برداشتنایی از خصیصه فراجهج اسلامی

در هم آمیختن زبر و زردی غنی سخت و توانفرا (جمله با چندین تأکید بیان شده است) این همان سازه سرستانه وی- آفران نماید. سازه و انقلاب عظیمی که طی آن، هر فرد و باجرایی در معرض تضاد هائی قرار خواهد گرفت. و ناگزیر از تعیین موضع و انتخاب است. انتخاب بین راه اصولی و خط مشی انقلابی که علی نشانه و آرا هستند. آن است. برام. های اسرائیلی و پانزنگار و رفرمیستی که انقلاب را از هدفهای عکس و مردی آن دور ساخته و به سمت خواستها و اغراض طبقات استراکرو می رانده سوق خواهد داد.

و تعدیل هم در این بوضع امکان ندارد. تأکید فوق راه را بر هرگونه توجیه و تفسیر می بندد. و بایستی برای استفاده میگوید بایستی تمام این مدهیان در مفین اسلام و انقلاب از مواضع بالایی که اشغال نموده اند زبر کتیبه بشوند و دستشان از سر نوشت ملت کوتاه گردند و طبقات محروم و زنان و مردان پستتر و فدکاری که با پیش نگه داشته اند. در جای ایشان قرار گیرند. ابوذرها، سارها، ... و سایر انقلابیون اصلی که در حکومت عثمان جایی برای آنها نبود: **جَئِي يَكُونُ اَنْتَقَلِمُ اَعْلَانُكُم وَاَسْلَانُكُم اَنْتَقَلِمُ** (پایین ترین شما در بالاترین مواضع قرار خواهید گرفت و بالاترین مقامهای عثماني در نهایت سستی نسبی خواهند افتاد). **وَلَسَوْفَ يَكُونُ لَكُمْ كَانِيًا سَافِرًا** (پیشگامانی که در این روابط تحت فشار و در موضع ضعف بودند به پیش خواهند

رفتاد و سردیداران ارتجاع و انحراف که باقی در این قرار گرفته اند ساقط خواهند گردید. بنابراین یک انقلاب اصلی از دیدگاه علی، متضمن دگرگونی بنیادی و زبر و زرد کردن کل مناسبات جامعه است (در نقطه مقابل اصلاح طلبی و رفرمیسم) نظریه که توده ها و طبقات محروم و تورسری خورده ها که با پیش نگه داشته اند، بالا می آیند و افراد و طبقات تاراجی و میرده، متحول تصفیه شوند، راه علی پاسخ گوینده ای است بآن دسته از اصلاح طلبانی که میگویند در کنار تبعیضات و امتیازات موجود برای مردم چاره اندیشی کرده و با طبقات میانه مدارا کنند. علی با صراحت میگوید که بدون واگون نمودن اقلیت های برده هیچگونه تغییر مؤثر نخواهد بود. او به واقع رفرمیسم و شیوه های اصلاح طلبانه را محکوم می سازد.

این دگرگونی در ستارگان نظام لحظه آغاز شده که ملی با قاطبیت مواضع سیاسی خویش را سینی بر زمین رگرفتن زمینها و پیشه های پیشین و لغو امتیازات مقرر در نظام گذشته اعلام نمود. در اینجا امام از مواضع خویش را نسبت به وضعیت موجود بیان کرد و کمترین سازش و تخفیف در مورد آنها را رد کرد. امام در جریان این انقلاب مجدد و باره از دگرگون ساز توالت ماهیت فرصت طلبی را که تاکنون در زبر و زردی اسلام می خواستند روابط تنگ بسته را اعلام کردند. افتخار سب و نقاب از چهره آنها بردارد. همانهایی که تکرارشان اساساً از مناسبات طبقاتی گذشته متاثر بود و نتوانستند خود را با اهدافی و ارزشهای ایدئولوژی جدید وفق دهند. بتدریج صفوف حق و باطل که تا قبل از این بود و همگویی منسوخ شده ای بری با هم مخلوط گشته و بر میان آن میهم بود. در طول این حرکت و دگرگونی ها آشکار گردید و از یکدیگر جدا شد و خط فاصل روشنی بین خواستها و تمایلات این افراد و مناصب صدیق و مؤمن با انقلاب بوجود آمد.

در این دیدگاه معیار مشروعیت انقلابی و اسلامی رهبری همانا صلاحیت و میزان کارائی آن در پیشبرد اهداف عظیمی و مردمی انقلاب است. اصل و مبانی صلاحیت یک رهبر کما علمکردی انقلابی آن، در طول حرکت میسر است. سنجیده میشود. مثلاً تاکنون چه قدمهایی در جهت هدفهای مکتب و آرمان مستضعفین و طبقات مستعده برداشته است و در شرایط مشخص هر مرحله تا کجا در مبارزه با دشمنان ملی در مرحله پیشتر با وجود موفقیت در شرایط سخت چگونه امتداد داده و رایس داده است (البته رهبری به معنای استراتژیک آن مورد نظر است. بر مبنای این معیار است که علی بدینال اعلام تصمیم خود سنی بر تحول بنیادی جامعه قدم اول را (در بعد سیاسی) سئو- لیت دادن به مردم و به افراد نیروهای واقعا پستشار تلقی میکند. در همین سبب بی مناسبت نیست که اشاره به تفسیر بسیار غنی که علم کبیر قرآن " پندر طالقانی از سوره نازعات کرده اند، بنمایش.

در این تفسیر، ایشان با استنباط از آیه **فَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتَامَىٰ** تعیین سر نوشت هر ملتی را (تد بیرام) متعلق به خود آن مردم دانسته اند. یعنی کسانی که در امر سازه و تفسیر جامعه، فدکاری و رنج و تلاش بیشتری محصل کرده اند. آنها را که با پیگار سختی- تأیید خویشی در صف مقدم انقلاب مقاومت کرده و خون داده اند و ... و نه فرصت طلبان حاشیة نشین که بر شوخی های سخت و موقع فدکاری، صحنه را ترک کرده، و پس از پیروزی به انقلاب می- ستانند (مراجعه کنید به قرآن در " صحنه) در اینجا علی بی از اعلام خطوط کلی فوق و ترسیم چشم انداز آینده، برای تأکید باره بیشتر، مجدداً سوگند یاد میکند که: **وَاللَّهِ لَأَكْتُبَنَّ لَكُمْ هِجْرَتَكُمْ كَذِبًا** (بخدا سوگند که از این هجرت حقیقی، فرودگار نکردم و هیچ واقعتی را نپیوشاندم) یعنی که حرم و پیام هم است و پس، هیچگونه تخفیف

باید و دگرگون ساختن روابط غیرانقلابی و طبقاتی موجود، موضع گیری شدید ارتجاع را رد برابر او باعث گشت. ایشان که بعضاً در گذشته در صف مجاهدین و در کنار پیامبر ششبر می رفته بودند حالا " سبم " خویش را از انقلاب طلب میکردند و از امام میخواستند که در مواضع اش " تخفیف بدهد و کوتاه بیاید !

این دگرگونی در ستارگان نظام لحظه آغاز شده که ملی با قاطبیت مواضع سیاسی خویش را سینی بر زمین رگرفتن زمینها و پیشه های پیشین و لغو امتیازات مقرر در نظام گذشته اعلام نمود. در اینجا امام از مواضع خویش را نسبت به وضعیت موجود بیان کرد و کمترین سازش و تخفیف در مورد آنها را رد کرد. امام در جریان این انقلاب مجدد و باره از دگرگون ساز توالت ماهیت فرصت طلبی را که تاکنون در زبر و زردی اسلام می خواستند روابط تنگ بسته را اعلام کردند. افتخار سب و نقاب از چهره آنها بردارد. همانهایی که تکرارشان اساساً از مناسبات طبقاتی گذشته متاثر بود و نتوانستند خود را با اهدافی و ارزشهای ایدئولوژی جدید وفق دهند. بتدریج صفوف حق و باطل که تا قبل از این بود و همگویی منسوخ شده ای بری با هم مخلوط گشته و بر میان آن میهم بود. در طول این حرکت و دگرگونی ها آشکار گردید و از یکدیگر جدا شد و خط فاصل روشنی بین خواستها و تمایلات این افراد و مناصب صدیق و مؤمن با انقلاب بوجود آمد.

در این دیدگاه معیار مشروعیت انقلابی و اسلامی رهبری همانا صلاحیت و میزان کارائی آن در پیشبرد اهداف عظیمی و مردمی انقلاب است. اصل و مبانی صلاحیت یک رهبر کما علمکردی انقلابی آن، در طول حرکت میسر است. سنجیده میشود. مثلاً تاکنون چه قدمهایی در جهت هدفهای مکتب و آرمان مستضعفین و طبقات مستعده برداشته است و در شرایط مشخص هر مرحله تا کجا در مبارزه با دشمنان ملی در مرحله پیشتر با وجود موفقیت در شرایط سخت چگونه امتداد داده و رایس داده است (البته رهبری به معنای استراتژیک آن مورد نظر است. بر مبنای این معیار است که علی بدینال اعلام تصمیم خود سنی بر تحول بنیادی جامعه قدم اول را (در بعد سیاسی) سئو- لیت دادن به مردم و به افراد نیروهای واقعا پستشار تلقی میکند. در همین سبب بی مناسبت نیست که اشاره به تفسیر بسیار غنی که علم کبیر قرآن " پندر طالقانی از سوره نازعات کرده اند، بنمایش.

در این تفسیر، ایشان با استنباط از آیه **فَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتَامَىٰ** تعیین سر نوشت هر ملتی را (تد بیرام) متعلق به خود آن مردم دانسته اند. یعنی کسانی که در امر سازه و تفسیر جامعه، فدکاری و رنج و تلاش بیشتری محصل کرده اند. آنها را که با پیگار سختی- تأیید خویشی در صف مقدم انقلاب مقاومت کرده و خون داده اند و ... و نه فرصت طلبان حاشیة نشین که بر شوخی های سخت و موقع فدکاری، صحنه را ترک کرده، و پس از پیروزی به انقلاب می- ستانند (مراجعه کنید به قرآن در " صحنه) در اینجا علی بی از اعلام خطوط کلی فوق و ترسیم چشم انداز آینده، برای تأکید باره بیشتر، مجدداً سوگند یاد میکند که: **وَاللَّهِ لَأَكْتُبَنَّ لَكُمْ هِجْرَتَكُمْ كَذِبًا** (بخدا سوگند که از این هجرت حقیقی، فرودگار نکردم و هیچ واقعتی را نپیوشاندم) یعنی که حرم و پیام هم است و پس، هیچگونه تخفیف

سهادتی در نامه اش با شما سخن می گوید

چه کسی می تواند از جهاد یک مجاهد جلوگیری کند؟

در بار آزادی فری نمی کردم که با سارت در آمی

قسمتهایی از نامه سعادتی را که به یکی از برادران نوشته در زیر می خوانید. هر چند نگه نامه ظاهر با اسم برادری نگاشته شده ولی در واقع خطاب تا همه بنجام برادران و عواقرائی است که این نگرانی به انواع و اقسام از قبیل برشتهای شغاهی، تا جو- شترها و سرودن شعر در مراسم میدهد. امیدوارم در چشم- هائی از نامه " سعادتی " تا اندازه ای بتواند با سخنی برای نگرانی های شما باشد. با امید به ثبات قدم سعادتی در راه برخطا طرهای و شکر از همه سبزه های بیدریغ خلقی که نسبت به فرزندان راستینش احساس مسئولیت میکنند.

بنام خدا
..... جان سلام !
امیدوارم که حال تم بسیار خوب باشد. من هم فعلاً خوبم ولی با تکلیف و میدانستی که بلا- تکلیفی خود می توانی دستخوشی شدناخته شود. هیچوقت گروم- کردم که روزی خواهد رسید که از داخل زندان برایت نامه بنویسم. حداقل تکلمی کردم که به آن زودی این وضع را بهیسم. بالاخره کام اولی نقلت را برداشته بودیم و دسرها آزادی فکر نمی کردم که به سارت که آیم. ولی خوب بالاخره گام گذاشتن در این راه، یعنی زنده می گردی معنی واقعی کلمه، چیزی جز این نیست: **یا در زندان یا در بیرون با نیوی** از مشکلات و فتنه ها. **من کلام حسس منکم** که تاجه اندازه برادران تحت فشار قرار دادی میدانم که درجه مرحله حساسی قرار گرفته ایم. موفقیم و این آرزوی این مرحله و افتخار کتب نوشته گردانی که این جو و این محیط در آن میزند گداختی است بیار طرف مشکل. من عمیقاً آرزوی آنکه در زندان فارغ از تمامی بار این فتنه ها و مسائل تنها هستم. متأسفانه البته نمی توان گفت که من جدا هستم تا اندازه ای احساس می کنم. ولی بوی در زمین قضایا و تحمل فشار و بطور ملموس

ملاحظه میشود که خط مشی ها صحیح اصولی و اعمال غیر اصولی و انحرافی مواضع بر حق و با باطل و انحرافی هستی طی که پروسه (جوان) ما را به تکامل و با به انحطاط سوق میدهند. پروسه جوانی که مستقل از خواست و تمایل فرد از قوانین شخصی بیرونی می چاید و فرد چه خواهد و چه نخواهد. همین که **بگردد ایستد شد بیرون خواهد رفتند** در این مورد سر نوشت غیر انگیز انقلابات و جنبش های ملی که در مسیر حرکت خود پس از سالها بیار دسچار انحراف شده و طی یک جریان از خجاست و سرگردگی به امریالیسم سردر آورده اند، بسیار قابل توجه است. نمونه بارز این

هدفی در نظام جهت دار توحیدی نه بر آستانها زمین روات (**رَبَّنَا مَا خَلَقْتُمْ هَٰذَا إِلَّا لَعْنَةً**) و نه بر انسان (**رَبِّیْ سُبْحَانَ اِلَٰهَائِنَا الَّذِیْنَ یُنزِلُ السُّحُورَ**) و اجتماع نیز گردندگان این فلسفه در هر موردی بر اجرای عدل که معنایه گواهی و بشارتی (اجتماعی) است و خود خدا و تأیید جهت گیری کلی طبقاتی را بر مبنای مسوول می شنود. **لَا اِلَٰهَ اِلَّا اَللّٰهُ الْعَلِیُّ الْعَظِیْمُ كُتُبًا وَكُتُبِیْنِ بِاِقْبَاصِ شَهَادَةٍ اِلَٰهَ** (ای آنهایی که گردنهای ما ایمان آورده اید، برادرانم و سارقانم کتندگان با قسط باشید تا همدان و گواهی بخدا.)

بنام خدا

امام علی: بخدا سوگند که روابط موجود را حتماً و بی هیچ تردیدی دگرگون خواهیم ساخت

فرزها رهبری رژیمهایی مانند مصر هستند که در اثر عدول از شیوه اصولی و عادلانه توسعه اقتصادی و عدم انبساطی مردم در امر توسعه با ناخشنود گامی انحرافی را پست سرمایه داری برداشتند و سپس طی یک سیرهای بطور جبری و گریزناپذیر به آتش سرمایه داری وابسته و دامن امیر- یالیسم سقوط کردند. بر عکس جریان اصولی و حرکت صمیم و مبتنی بر تقوا، یک حرکت کاراته رهاقی بخشی است که در عمق آن منب آزاد شدن از تأثیرات جبر و گسستن تقود و وابستگی ها است (مبارز تکامل و برتری) در باره تقوی به شماره گذشته رجوع کنید. **نضاد میان اردوگاه حق و باطل و جهت حل آن** در آخرین فراز این قسمت از خطبه علی (ع) به چشم انداز بلند مدتی آریه تا بنگار مبارزه که طی آن با نفی غلبه حاکمیت کند و پیروزی نهایی از طریق مردم حاکمیت باطل و قتل رهبران آن، توجیه میدهد: **حَقٌّ وَ بَاطِلٌ وَ لَکُلِّ اَهْلٍ قَلْبٌ** (سز

جز دیگری است وقتی که چشم - انداز آینده برای ما روشن باشد. وقتی که بر مبنای ما احوال خود و با ما ملت مکتب خویش معتقدیم و ما هیبت تمامی جریانهای ارتجاعی را و سر نوشتشان را می شناسیم دیگر چه باک. بقول برادران " چه کسی میتواند از جهاد یک مجاهد جلوگیری کند؟ " تنها می سبزه های جفا بین خود نمی توانی اندازه یک مجاهد را برای ایستادن و یا رگشتن از راهی که پیتر گرفته است بشکنند. بگذار ارتجاع آخرین تلاش خودش را در این اوضاع درهم برهم بکند. بگذار که در برخورد با توطئه ها و دسپاوس ارتجاع برادرانی را از دست ندیم و شهیدای داشته باشیم. ولی باید مطمئن باشیم که نفرین ابدی را در تاریخ برای خویش تبارک می بینند. من از خدا آرزوی سلامت کامل برای برادران - رگستن سر انقلابی و عملکرد خویشاوارانه دارم. پیروزی آن شاست. بخدا یا رب و روان باشد. سلام بر تمامی برادران. ... این نامه در صورتی دسترس نرسد ممکن است. نزدیک عید فطر باشد و یا از آن گذشته باشد ولی در هر حال از هم اکنون این معده را به کلیه خوهران و برادران تحریک میگویم و امیدوارم که ما رمضان در محکم کردن بیوند تمامی خوهران و برادران با سازمان نقش مؤثری داشته باشد. انشاء الله که این مید واقعا برای تو و سایر خوهران و برادران مبارک باشد. من هم تو- ستم از بازنده مام سارک روزه بگیرم و حال من خوب است. امیدوارم که بتوانم تا آخر ادامه دهم و همگی قبول شود. سلام من بر تو و سرکلیه خوهران و برادران و فعال و خستگی ناپذیر و مؤمن و مجاهد. " سلام علیکم **يٰۤاَيُّهَا الَّذِیْنَ آمَنُوا كُنْتُمْ قَوْمًا عَصَىٰ اَلْقَارِ** برادرت سید. ۵۸/۵/۲۸ 'در زده روزبه سالگرد شهادت مهدی باقی است. درود بر سیدی قهرمان - سید محمد رضا سعادتی

بنام خدا

